خراسان روزنامه صبح ایران
دوشنبه ۱۴ دی ۱۳۹۴ . ۲۳ ربیع الاول ۱۴۳۷ . شماره ۱۹۱۵۸

دوانی: وهابیت عامل استعمار و صهیونیسم است

دکتر رجبی دوانی با بیان این که وهابیت، عامل استعمار و صهیونیسم است گفت: این بدبختی عالم اسلام است که گرفتار حاکمیت هایی است که یک عده از آن ها، فاسد هستند و چشم به دست عربستان و حکام آن دارند که حاضر هستند به خاطر مشتی دلار نفتی که از آن ها دریافت می کنند، نه تنها چشم بر جنایات آل سعود ببندند، بلکه به توجیه و دفاع از عملکرد آن بپردازند.

در گفت‌وگو با دکتر محمد حسین رجبی دوانی مطرح شد

جنایات وهابیت سعودی علیه اسلام در مسیر تاریخ

غلامرضا کحلکی
international@khorasannews.com

خبر هولناک اعدام روحانی آیت‌ا... شیخ نمر باقر النمر، از سوی رژیم آل‌سعود ما را بر آن داشت که با دکتر محمد حسین رجبی دوانی مورخ و پژوهشگر گفتگویی داشته باشیم. به باور دکتر دوانی در هیچ کجای دنیا این گونه نیست که فردی را به خاطر اندیشه‌ای که دارد اعدام کنند و به شهادت رساندن این روحانی فاجعه‌ای است که دولت عربستان را با چالش و هزینه جدی مواجه خواهد کرد. این استاد دانشگاه معتقد است که در شبه جزیره عربستان از دیر باز، مذهب حقه شیعه ریشه داشته و قرن‌ها پیش از آنکه مذهب جعلی، خرافی و استعمار ساخته وهابیت پدید آید، این مذهب، در کنار سایر مذاهب مسلمان حضوری دیرینه داشته است اما استعمار غرب و کوتاهی های عثمانی وهابیت را به وجود آورد که نه به شیعه رحم می کند و نه به سنی. در ادامه گفتگوی ما را با دکتر محمد حسین رجبی دوانی بخوانید:

اطلاع دارید که آل سعود یک سری رفتارهای تحریک کننده در منطقه را انجام داده است و آخرین اشتباه استراتژیک آن به شهادت رساندن رهبر شیعیان عربستان یعنی شهید نمر است، اگر موافق هستید در ابتدا با موضوع عربستان سعودی و سیر اندیشه‌ای آن و اینکه چه چیز باعث شده تا این رژیم به چنین اقداماتی دست بزند، بحث را آغاز کنیم؟

در شبه جزیره عربستان از دیر باز، مذهب حقه شیعه ریشه داشته و قرن‌ها پیش از آنکه مذهب جعلی، خرافی و استعمار ساخته وهابیت پدید آید، این مذهب، در کنار سایر مذاهب مسلمان حضوری دیرینه داشته است؛ به ویژه در شرق این سرزمین در ناحیه قطیف و احساء که در گذشته سواحل شرقی جزیرة العرب را بحرین می خواندند و علماء بزرگ و صاحب اثر بسیاری از این منطقه به پا خاسته اند.

حتی علماء شیعه این سرزمین به گردن ما ایرانی ها هم حق دارند. در زمان ظهور دولت صفویه هنگامی که شاه اسماعیل صفوی و بعد فرزندش شاه طهماسب مذهب شیعه را در ایران رسمیت دادند، چون در ایران، علماء برجسته شیعی حضور نداشتند، از علماء بحرین قدیم که سواحل شرقی عربستان است و همچنین از جبل عامل لبنان، علماء شیعی زیادی به ایران آمدند و در نهادیه کردن مذهب شیعه و به دل نشاندن

> آل سعود شیخ نمر را تروریست جلوه می دهد، چون دنیا دیگر پذیرای کشتن افراد به جرم دینشان نیست.

این مذهب در ایران تلاش وافری کردند؛ از این رو ما از آن ها قدر شناسی می کنیم و خود را مدیون آن ها می دانیم. متاسفانه از هنگام تسلط وهابیون بر این سرزمین و ظلم و جور و بیدادی که این افراد فاسد و خائن و خونخوار بر مردم این سرزمین روا داشتند، تا بتوانند خود و حاکمیت خود را تثبیت کنند، بسیاری از مردم این سرزمین کشتار شدند. این کشتار مخصوصا علیه شیعیان بوده است. البته این وهابیون نه به شیعه و نه به سنی رحم نمی کردند و فجایع گسترده‌ای را به وجود آوردند.

این فجایع با کوتاهی دولت عثمانی به ظاهر بر این سرزمین سلطه داشت و با چراغ سبز آن ها رخ می داد. آنان گستاخی را به جایی رساندند که به کربلای معلی حمله ور شده و جنایاتی در کربلا انجام دادند؛ به حرم مقدس حضرت سیدالشهدا علیه السلام جسارت ها کردند و زائرین و مجاورین را قتل عام کردند. آنان می خواستند همین جنایت را در نجف هم انجام دهند که با اعلام جهاد علماء بزرگ شیعه و حضور آنان، وهابیون با دادن تلفات سنگینی به داخل شبه جزیره گریختند.

به هر صورت، از زمانی که این رژیم عقب مانده با حمایت های غرب در این سرزمین پایه های حکومتش مستحکم شد، دشمنی فراوانی را نسبت به اسلام و مخصوصاً شیعه روا داشت. نباید فراموش کرد که تا همین چند سال پیش در مناطق شیعه نشین عربستان، شیعیان را به جرم عزاداری برای امام حسین علیه السلام گردن می زدند. واقعاً جای تاسف شدید است؛ اینها همه ناشی از تفرقه و اختلافی است که بین مسلمانان وجود دارد. به جای اینکه مسلمانان شعار «الإسلام یعلو و لا یعلی علیه» را طنین انداز کنند تا دست

> آل سعود افراطی بهترین رژیمی است که می تواند به پروژه بدجلوه دادن اسلام کمک کند

نامفهوم است و آنکه چرا عربستان سعودی که سرزمینی است که آغاز و طلوع اسلام عزیز در آن است، منشاء چنین جریان های افراطی و ضد اسلام ناب است؟

از دیرباز مقدس ترین مکان از بدو خلقت آدم مکه معظمه است و حضرت آدم علیه السلام نخستین کسی است که این خانه را بنا نهاد و بعد حضرت ابراهیم علیه السلام آن را تجدید بنا کرد. به هر صورت، این سرزمین از نظر تقدس سرآمد کل جهان است. به سبب خیانت هایی که در صدر اسلام اتفاق افتاد و انحرافاتی که در مسیر تاریخی اسلام عزیز رخ داد، منجر به شکل گیری فرقه هایی در اسلام شد که جز خود هیچ کس را حق نمی دانند و هیچ گروه مسلمانی را قبول نداشته و قائل به قتل آن ها هستند.

این چنین فرقه هایی در تاریخ نمونه ندارند، مگر وهابیت. این وهابیت و شکل گیری آن ساخته و پرداخته استعمار است و با حمایت غرب پدید آمد؛ عامل دیگر شکل گیری آن همانگونه که گفته شد، با کوتاهی و با خیانت دولت عثمانی بود. دولت عثمانی بد نمی دید که وهابیت، ضرباتی را به شیعیان در عراق و نقاط دیگر جهان وارد کند، بنابراین دست آنان را باز گذاشت. اگر چه سلطان عثمانی به «محمد علی پاشا»، فرمانروای مصر، دستور داد که وهابیت را سرکوب کند، و او هم حمله ای به آن ها داشت، اما آن ها را ریشه کن نکرد؛ ببینید چقدر این اقدام به «ائتلاف به اصطلاح ضد تروریسم» عربستان و اقدامات ترکیه شبیه است.

در نهایت، اعتقاد من بر این امر استوار است که این دست استعمار بود که این فرقه پلید را در مقدس ترین مکان پدید آورد تا با سلطه بر حرمین شریف، بتوانند اصل اسلام را مخدوش کنند. چون از هر جای عالم مسلمانان برای حج به عربستان می آیند و وقتی این سرزمین به دست فرقه ای جنایتکار بیفتد، مخصوصاً با کشف نفت و درآمدهای سرشار آن، پشتوانه مالی هم برای تبلیغ اندیشه های وهابیت وجود خواهد داشت.

بنابراین وهابیت، عامل استعمار و صهیونیسم است که با ایجاد آن، دشمنان اسلام به خوبی توانستند به اهداف خود نائل آیند. این بدبختی عالم اسلام است که گرفتار حاکمیت هایی است که یک عده از آن ها، فاسد هستند و چشم به دست عربستان و حکام آن دارند که حاضر هستند به خاطر مشتی دلار نفتی که از آن ها دریافت می کنند، نه تنها چشم بر جنایات آل سعود ببندند، بلکه به توجیه و دفاع از عملکرد آن بپردازند. یا حاکمیت هایی مثل امارات و کویت که اینها چون بی ریشه هستند، از رژیم جعلی آل سعود حمایت می کنند که بقاء خود را در بقاء آن می دانند. چندی پیش رهبر معظم انقلاب فرمودند که ما از سیاستمداران عالم اسلام قطع امید کردیم و علماء اسلام باید به پا خیزند و اگر این عالمان به این درجه از بصیرت برسند که باید بر اختلافات میان خود چشم پوشیده و بر مشترکات تکیه کنند، مشکلات حل خواهد شد.

اکنون عالم اسلام دچار غده سرطانی خطرناک تر از اسرائیل است، یعنی رژیم آل سعود. آل سعود قبله اصلی ما را اشغال کرده، حال آنکه صهیونیست ها قبله اول که از نظر تقدس جایگاهی بسیار پایین تر از مکه دارد را اشغال کرده اند. صهیونیست ها برای مسجدالاقصی قداست قائل

> وهابیت محصول استعمار غرب و کوتاهی های عثمانی است که نه به شیعه رحم می کند و نه به سنی

هستند، اما آل سعود هیچ قداستی برای حرمین شریف قائل نیست و به تعبیر امام راحل، آل سعود اساساً مسلمان نبوده بلکه مشرک و جاهلانی جدید هستند که در پی قداست زدایی از اماکن مقدس اند. چرا نباید همانگونه که در برابر اسرائیل ایستاده ایم، در برابر این ناپاکان که مقدس ترین مکان ها را غصب کرده اند، یدواحدی شویم.

اجازه دهید به شهادت رهبر شیعیان عربستان بپردازیم؛ در مورد آثار اقدام عربستان سعودی در به شهادت رساندن، شهید شیخ نمر، برای ما بفرمایید. این اقدام چه آثاری را در عربستان و منطقه برای آل سعود خواهد داشت؟

یکی از سنت های بزرگ و قطعی خداوند آن است که وقتی اولیاء خدا به دست ناپاکان مظلومانه به شهادت برسند، خداوند آن ها را در همین دنیا عقوبت می کند، تا چه برسد به عذاب جاوید اخروی آن ها. آل سعود در حقیقت فرزندان خلف ابوجهل ها، ابوسفیان ها، معاویه ها و یزید ها هستند. یزید با کشتن ولی خدا، حضرت امام حسین علیه السلام و جنایت در قبال مکه و مدینه، فکر می کرد که حاکمیت در خاندان آن ابدی خواهد بود و کاری که پدرانش نتوانستند آن را انجام دهند او با کشتن فرزند رسول خدا و نگاه نداشتن

> روشنگری وظیفه جامعه اسلامی است و به سازمان های بین المللی و حقوق بشری امیدی نیست

حرمت مکه و مدینه، عملی کرده است؛ تا بتواند اسلام را محو کند و قدرت و سلطه در اختیار او و فرزندانش باشد؛ اما در جوانی و دو سال بعد از فاجعه کربلا، یزید با ذلت به هلاکت رسید و فرزندش که جانشین او بود از پدر و اجداد خود اعلام برائت کرد و گفت حاکمیتی که با چنین هزینه سنگینی به من رسیده را نمی خواهم؛ او برای همیشه حاکمیت از دودمان بنی امیه و اولاد ابوسفیان خارج کرد؛ اگر چه خلافت به دست شاخه مروانی بنی امیه افتاد اما خون پاک حضرت سیدالشهدا علیه السلام طومار بنی امیه را کاملا در هم پیچید و انقلاب و قیامی ضد بنی امیه صورت گرفت که ما می بینیم بنی امیه کشتار وسیعی می شوند و حتی به قبرهای آن ها هم رحم نکردند و اجساد برخی از خلفاء اموی که هنوز باقی مانده بود را بیرون آورده و به آتش کشیدند. یقین داریم که سرنوشت بنی امیه به زودی در انتظار آل سعود خواهد بود.

نمونه دیگر در تاریخ، شاه است؛ اکنون در آستانه ۱۹ دی هستیم؛ شاه پلید، وقتی به ساحت مقدس حضرت امام رضوا... علیه جسارت کرد و ایشان را تبعید کرد و در ۱۹ دی با نوشتن مقاله به ایشان گستاخی کرد، دیدیم که چگونه با سرعت حاکمیت رژیم طاغوت در هم پیچیده شد و شاه سرنگون شد و در، در به دری از میان رفت. شاه دست به خون حضرت امام آغشته نکرد و این گونه جسارت کرد، چنین سرنوشتی یافت. صدام نمونه دیگر است؛ صدام شهید آیت ا... سید محمد باقر صدر و گروهی از علماء بزرگ شیعه را به شهادت رساند و چگونه با آن ذلت و خفت به دار آویخته شد و حاکمیت او نابود شد. اگر چه صدام نسبت به آل سعود گستاخی را تا این حد نرسانده بود، او هم در لفافه تا مدتی مخفی این بزرگواران را در زندان نگاه داشته و آنان را به شهادت رساند و از ترس قیام مردم عراق، اعتراف رسمی به این جنایت نکرده بود. نمونه دیگر در مصر و با حکومت بی لیاقت و فاسد مرسی که با میدانی که به تکفیری ها و عناصر سلفی داد،

> این وعده الهی است، ظالمان با از دست دادن حاکمیت و ریخته شدن خون خود و خاندانشان، تقاص پس خواهند داد

دیدیم که چگونه یک ولی خدا و شیعه مظلوم «شیخ حسن شحاته» را در شب نیمه شعبان به شهادت رساندند و بدن پاک ایشان را قطعه قطعه کردند. اگر چه مرسی به ظاهر این اقدام را به گردن نگرفت، ولی با سکوت خود و چشم پوشی بر جنایت حامیانش به لطف الهی دیدیم که در کمتر از یک هفته دولتش سقوط کرد و امروز در قفس است.

آل سعود با اقداماتی نظیر آن چه که در سال ۶۶ با هتک حرمت حرم الهی و کشتار زائران خانه خدا در ماه حرام انجام داده و یا جنایات گسترده علیه مردم مظلوم یمن آن هم در ماه های حرام و فاجعه عمدی مناو توهین به میهمانان خدا و اکنون با گستاخی در به شهادت رساندن یک روحانی بزرگوار «آیت ا... شهید شیخ نمر» و گردن زدن او که این جنایت را هم اعلام می کند، به امید خدا این رژیم و رژیم نیجریه که شیخ بزرگوار «ابراهیم زکزکی» را مورد بی احترامی قرار داده و فرزندان آن را به شهادت رساند، باید در انتظار انتقام سخت الهی و از دست رفتن حاکمیت خود و کشتار خاندانشان باشند.

پس از به شهادت رساندن شیخ نمر، آل سعود نام این عالم بزرگوار را در کنار لیستی از اعدامی ها قرار داد که آن ها را تروریست می نامید؛ چرا رژیم سعودی چنین اقدامی را انجام داده است؟

این رژیم گستاخ، برای پوشاندن عمق جنایت خود و خوشایند اربابانش، به ظاهر یک ائتلاف ضد تروریستی درست کرده است. این رژیم، در چارچوب کشتن گروهی از تروریست های داعشی شهید نمر و ظاهراً سه شیعه مظلوم دیگر را به شهادت رساند تا نشان دهد که از منظر آن ها شیعه بودن، آن هم شیعه ای که فقط با کلام و نه با اسلحه در برابر ظلم و بیداد این جبار ان جنایت کار ایستاده است، تروریست است. یعنی آن ها خود را چنان حق جلوه می دهند که هر کس که با آن ها مخالفت کند را مستوجب مرگ می دانند؛ ولو اینکه فردی باشد که با کلام و منطق نیرومند خود مقابل آن ها ایستادگی کند. این ناشی از تفکر ارتجاعی و فاسد آنان است.

آن ها جز مذهب پوچ و خرافی خود، بقیه را حق ندانسته و آن ها را حتی اگر کاری هم نکرده باشند، مستوجب مرگ می دانند. امروز مانند سابق نمی شود به جرم شیعه بودن افراد را بکشند؛ اگر چه دست پرورده های آنان در چارچوب گروه های تکفیری، نظیر این کار را انجام می دهند؛ اما چون وهابی های آل سعود به ظاهر یک دولت هستند و جهان پذیرای این نیست که افراد را به جرم مذهب آن ها بکشند، نسبت تروریست به این شهدا می دهند. آنان با این حرکت،

> شهادت شیخ نمر آغازی است بر شیعه کشی و قتل عالمان در دیگر نقاط جهان

می خواهند بگویند که شیعه تروریست است و باید آن ها را از بین برد. به زودی این جنایت به آن ها بر خواهد گشت و عموم خاندان آن ها جوابگوی این جنایت خواهند بود.

به تازگی رفتاری مشابه با رهبر آزادی خواهان در نیجریه و یا بحرین را شاهد بودیم، حتی ملک سلمان به دنبال فاجعه نیجریه در تماس تلفنی خود با بوهاری، از وی تشکر هم می کند، آیا این امکان دارد که شهادت شیخ نمر آغازی باشد بر کشتار علماء شیعی در دیگر نقاط جهان؟

این مسلم است که عربستان سردمدار جنگ های فرقه ای و تکفیر دیگران به خصوص علیه مذهب شیعه است. این جنایت، کاملاً پشت گرم به حمایت های آمریکا و غرب است؛ لذا می بینیم که عربستان الگویی است برای جانیانی در نیجریه و بحرین. بعید نیست که رژیم سعودی با این حرکت کاری را شروع کرده است که دو روز دیگر، شیخ مظلوم و پدر شهیدان در نیجریه به خاطر همین آزاده بودن خود، به دست رژیم فاسد نیجریه به شهادت برسد. یا در بحرین، «شیخ علی سلمان» را به شهادت برسانند. علت آن هم این است که این رژیم های سفاک از جنایت های آمریکا و غرب بهره مند هستند.

به دنبال شهادت شیخ نمر، برادر ایشان در پیامی فرمودند که امیدی به سازمان های بین المللی و حقوق بشری برای استیفاء حقوق این شهید عالم اسلام ندارند، بفرمایید وظیفه ما در خونخواهی از این عالم بزرگ چیست؟

باید ما به روشنگری های خود ادامه بدهیم و وجدان های خردمندان عالم اسلام را بیدار کنیم که بیش از این جهان اسلام در دام توطئه های استکبار و صهیونیزم خود را گرفتار نکند. پیش تر بیداری اسلامی پدید آمده بود که می توانست به نابودی حاکمیت های وابسته به استعمار و استکبار و صهیونیسم خاتمه دهد و یک وحدتی در عالم اسلام پدید بیاید که غرب را نه تنها به چالش بکشد بلکه زمین گیر کند؛ اما متاسفانه با خیانت برخی از علماء فاسد و حکومت هایی که عاملان استکبار و صهیونیسم بودند، این بیداری ها به جای اینکه به مقابله با استعمار و صهیونیسم مردم را هدایت کند، منحرف شد و دشمنی را علیه شیعه معطوف کردند و به سمت از بین بردن حکومت هایی رفتند که به نوعی شیعه هستند و یا شیعیان اسمی بر آن ها حکومت دارند.

لذا حمله به سوریه و عراق در حقیقت حمله به تشیع و حاکمیت تشیع بود و به خیال خام آن ها، نظر نهایی معطوف به جمهوری اسلامی به عنوان مهد تشیع است. لذا تا وقتی که چنین آگاهی در جهان اسلام صورت نگرفته است که درک کنند این جنگ های داخلی و کشتارهای فجیع تکفیری ها اجرای سیاست های استعمار و استکبار است و دولت های خونخواری مثل آل سعود، قطر، ترکیه و اردن آن ها مامور ان آمریکا هستند، برای نابود کردن امت اسلامی، ما باید روشنگری هایی به اشکال مختلف داشته باشیم.

ما باید از طریق تبیین حقیقت مسائل، وجدان های بیداری را ایجاد کنیم تا این نابسامانی ها به خروشی بینجامد که حاکمیت فاسد خود را کنار بزنند. مثلا مردم ترکیه به این باور برسند که حاکمیت این کشور، که عضو ناتو است و با رژیم صهیونیستی اتحاد دارد، برای خدا و اسلام کار نمی کند و داعش و تکفیری های سوریه را پشتیبانی می کند؛ پس باید علیه آن بخروشند. در بقیه بلاد اسلام که چنین حاکمیت هایی دارند، باید اینگونه عمل شود، چون آن ها نوکران قدرت های جهانی و غرب هستند. ما وظیفه داریم به هر قیمتی که شده در برابر این وضعیت ایستادگی کنیم. چون دنیای کنونی فاسد و جنگل گونه است.

امروز حدود ۱۰۰۰ شیعه را در نیجریه قتل عام می کنند و هیچ یک از دولت های فاسد غربی و سازمان های بین المللی خم به ابرو نمی آورند. از جلاد سعودی حمایت می شود و حتی زمامداران امارات در شهادت آیت ا... نمر از آن حمایت می کنند؛ باید به این نتیجه برسیم که یک اتحاد و ائتلافی بین گروه های تکفیری فاسد چه در عرصه میدانی سوریه و عراق و دولت هایی مثل دولت عربستان، بحرین و امارات و نیجریه با استکبار و صهیونیسم صورت گرفته است، برای محو شیعه و دشمن جلوه دادن شیعه و اینکه با خیال راحت می توانند این جنایت را انجام دهند. فلذا ما وظیفه داریم که این پرچم را کماکان برافراشته بداریم و در برابر این چنین جنایاتی به روشنگری بپردازیم و یک لحظه هم از حمایت مظلومان دریغ نکنیم.

تحلیل خبر

واشنگتن پست:

شیخ نمر صدای اعتراض به آل سعود و حکومت های مستبد منطقه بود

«شیخ نمر باقر امین النمر» روحانی برجسته در عربستان که توسط حکومت این کشور اعدام شد، صدای اعتراض به تبعیض مذهبی پادشاهی آل سعود و لزوم پایان دادن به حکومت های مستبد و خودکامه در خاورمیانه بود. واشنگتن پست در باره اعدام این روحانی شیعه نوشت: اعدام نمر از جانب عربستان، منطقه ملتهب خاورمیانه را در التهابی تازه فرو برده و دیپلماسی در جریان برای آرام کردن تنش ها، درگیری ها و خونریزی ها را نابود می کند. عفو بین الملل اعلام کرده است: اعدام نمر ثابت کرد عربستان به بهانه مبارزه با تروریسم، حکم مجازات اعدام را برای تسویه حساب و سرکوب مخالفان بهره برداری می کند. عربستان سال گذشته مجموعا ۱۷۵ مورد اعدام انجام داده است که این رقم در نوع خود یک رکورد محسوب می شود. 'علی محمد النمر' برادرزاده روحانی نمر هم سال گذشته و تنها در حالی که ۱۶-۱۷ سال بیشتر نداشت به جرم شرکت در تظاهرات به اعدام با صلیب کشیده شدن محکوم شد که موج محکومیت بین المللی را علیه عربستان به دنبال داشت و اکنون هم در صف اعدام قرار دارد. نمر رهبر اصلی تظاهرات ضد دولتی عربستان در سال ۲۰۱۱ بود که در شهرهای شرقی کشور که اکثرا شیعه نشین هستند، برگزار شد و ریاض بی توجه به همه تقاضاهای بین المللی مبنی بر اجرا نشدن حکم اعدام روحانی برجسته شیعه آن را اجرا کرد. اعدام شیخ نمر تظاهراتی را در عربستان و در کشور بحرین در همسایگی آن برانگیخت. 'محمد النمر' برادر روحانی اعدام شده در توئیتر نوشت که جنبش طرفدار دموکراسی پایدار خواهد ماند. شیخ نمر نه فقط زبان گویای احساسات شیعیان عربستان بود بلکه صدای رسای بسیاری دیگر از مردم سراسر منطقه بود که پس از چندین دهه حاکمیت حکام خودکامه و مستبد طالب تغییر هستند.

وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات
شرکت ارتباطات زیرساخت

آگهی ارزیابی کیفی فراخوان /مناقصه شماره ۹۴/۱۷
نوبت دوم
احداث ساختمان H1 ایستگاه فیبر نوری کهورستان

شرکت ارتباطات زیرساخت در نظر دارد مطابق آئین نامه اجرایی بند (ج) ماده ۱۲ قانون برگزاری مناقصات نسبت به ارزیابی کیفی مناقصه گران جهت انجام خدمات احداث ساختمان H1 ایستگاه فیبر نوری شهرستان کهورستان واقع در استان هرمزگان اقدام نماید و متعاقبا پاکات مناقصه پیشنهادی شرکت کنندگانی که امتیاز لازم را در ارزیابی کیفی کسب نمایند بازگشایی نموده و پس از تعیین برنده مناقصه، نسبت به واگذاری خدمات فوق در قالب انعقاد موافقتنامه پیمان به شرکت واجد شرایط و دارای مجوز سازمان مدیریت برنامه ریزی کشور با رتبه ۵ و بالاتر در زمینه ابنیه و ساختمان با اعتبار کافی از لحاظ زمانی اقدام نماید. لذا از کلیه شرکتهای واجد شرایط جهت شرکت در مناقصه دعوت به عمل می آید.

نام و نشانی مناقصه گذار: شرکت ارتباطات زیرساخت به نشانی خیابان شریعتی، نرسیده به پل سید خندان، روبروی خیابان شهید قندی، ساختمان مرکزی شرکت ارتباطات زیرساخت، طبقه اول ، دورنگار: ۸۸۱۱۲۱۴۷

بهای فروش اسناد: مبلغ ۷۶۳/۰۰۰ ریال (هفتصد و شصت و سه هزار ریال) با احتساب ۹درصد مالیات بر ارزش افزوده می باشد که باید توسط مناقصه گران به حساب ۲۱۷۴۸۳۹۰۰۴۰۰۰ شرکت ارتباطات زیرساخت نزد بانک ملی شعبه مخابرات واریز و اصل فیش را به همراه معرفی نامه جهت دریافت اسناد (بصورت لوح فشرده) تحویل نمایند.

محل دریافت اسناد: ساختمان مرکزی شرکت ارتباطات زیرساخت، طبقه چهارم، اتاق ۴۰۳

زمان و مهلت دریافت اسناد: از تاریخ نشر آگهی تا ساعت ۱۶ روز چهارشنبه مورخ ۹۴/۱۰/۲۳

نوع و مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار: مبلغ تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار ۴۱۸/۲۰۰/۰۰۰ ریال (چهارصد و هیجده میلیون و دویست هزار ریال) میباشد که مناقصه گران میبایست مبلغ فوق را بصورت ضمانت نامه بانکی غیرقابل برگشت، بدون قید شرط و با مدت اعتبار اولیه سه ماه از تاریخ تسلیم پیشنهاد و قابل تمدید بنا به درخواست مناقصه گذار برای یک دوره سه ماهه دیگر توسط یکی از بانک های داخلی به نام شرکت ارتباطات زیرساخت و مطابق آئین نامه تضمین معاملات دولتی (فرم پیوست شرایط مناقصه) ضمیمه اسناد مناقصه در پاکت الف تحویل نمایند.

نحوه ارائه پیشنهادات: مناقصه گران می بایست پیشنهاد خود را در چهار پاکت به شرح ذیل تحویل نمایند:

۱- پاکت ارزیابی کیفی، شامل مستندات مورد نیاز قید شده در اسناد ارزیابی مناقصه

۲- پاکت الف: حاوی تضمین شرکت در فرایند ارجاع کار

۳- پاکت ب: حاوی اسناد مناقصه، مدارک و مستندات مورد نیاز مندرج در شرایط مناقصه

۴- پاکت ج: حاوی پیشنهاد قیمت

آخرین مهلت تحویل پیشنهادات: تا ساعت ۱۶ روز شنبه مورخ ۹۴/۱۱/۱۰

محل و زمان بازگشایی پاکات ارزیابی کیفی: ساعت ۹ صبح روز یکشنبه مورخ ۹۴/۱۱/۱۱ در محل امور هماهنگی کمیسیون معاملات واقع در طبقه ۱۵ ساختمان مرکزی شرکت ارتباطات زیر ساخت (زمان بازگشایی پاکات مناقصه متعاقبا با ارسال دعوتنامه اعلام می گردد)

توضیح: پاکات مناقصه گرانی که در مرحله ارزیابی کیفی امتیاز لازم را کسب ننمایند، بازگشائی نگردیده و به مناقصه گران عودت می گردد و شرکت ارتباطات زیرساخت در خصوص بهای فروش اسناد و هزینه اخذ ضمانت نامه هیچگونه مسئولیتی را ندارد.

۳۱۹۴ م الف

شرکت ارتباطات زیرساخت

۹۴۴۱۷۰۹۳/ت

هنر سادگی در این نیست که چه اندازه تبلیغ را کوتاه کنید تا ساده شود. بلکه هنر واقعی آن است که چگونه تبلیغ را کوتاه و ساده بسازید تا نیازی به کوتاه کردن نباشد.

یک تبلیغ موثر
از پیامهای کساخانه و خودخواهانه به شدت دوری می کند

آگهی فراخوان ارزیابی کیفی

این شرکت در نظر دارد نسبت به خرید، نصب و راه اندازی ۱۰ دستگاه آسانسور و ۶ دستگاه پله برقی مورد نیاز، با حداقل ۵۰٪ تهاتر اقدام نماید. متقاضیان می توانند حداکثر تا آخر وقت اداری روز شنبه مورخ ۹۴/۱۰/۲۶ نسبت به ارائه تصویر مصدق اساسنامه و آخرین تغییرات، رزومه، کاتالوگ های مربوط به کارخانه سازنده و مشخصات فنی کامل محصول و مستندات مرتبط با مفاد بند الف و ب فصل ۴ تصویب نامه ۸۴۱۳۶/ت ۳۳۵۶۰ ه مورخ ۱۳۸۵/۷/۱۶ هیئت محترم وزیران به آدرس: مشهد، بلوار قرنی ابتدای مجد شمالی، ساختمان فروردین طبقه ۴ واحد ۴۰۵ اقدام نمایند. ضمنا تلفن
۰۵۱-۳۷۲۳۳۹۱۰-۴
داخلی ۱۱۹ و ۱۱۶
پاسخگوی سوالات می باشد
شرکت عمران و نوسازی مجد مشهد
۹۴۴۱۷۸۵۲/ف